

عبدالرحمن السید، نامزد منتقد اسرائیل در انتخابات مقدماتی سنای دموکرات‌ها در میشیگان پیروز شد

شکست جریان اصلی در حزب دموکرات

گزارش

عبدل السید، نامزد جناح مترقی، در انتخابات مقدماتی حزب دموکرات برای سنای آمریکا در ایالت میشیگان پیروز شد و توانست میلی استیونز، نماینده میانه‌رو کنگره را در رقابتی که شکاف‌های ایدئولوژیک در حزب دموکرات را آشکار کرد، شکست دهد.

شبکه ان‌بی‌سی اولین رسانه‌ای بود که پس از شمارش طولانی آرا، پیروزی السید را اعلام کرد. این نتیجه یک پیروزی مهم برای جناح مترقی در یکی از ایالت‌های رقابتی آمریکا محسوب می‌شود؛ ایالتی که میانه‌روها معتقد بودند استیونز در انتخابات نهایی شانس بیشتری برای شکست نامزد جمهوری خواهان دارد.

رقابت تا بخش زیادی از شب آن‌قدر نزدیک بود که امکان اعلام برنده وجود نداشت، زیرا نتایج شهرستان وین، محل شهر دیترویت، با سرعتی کند اعلام می‌شد. السید در ابتدای شمارش آرا پیش افتاد و هرچند استیونز فاصله را کاهش داد، اما نتوانست از او پیشی بگیرد. این انتخابات مقدماتی پرهزینه به سه‌ضه‌ای برای رقابت میان جریان اصلی حزب دموکرات و جناح مترقی آن در سطح ملی تبدیل شد. اگرچه نامزدهای مترقی در سال‌های اخیر در شهرهای به‌شدت دموکرات پیروزی‌هایی کسب کرده‌اند، اما پیروزی السید در ایالت رقابتی میشیگان احتمالاً به عنوان آزمون مهم‌تر برای سنجش قدرت این جریان ارزیابی خواهد شد.

السید، مدیر پیشین اداره بهداشت شهرستان وین، با برنامه‌هایی مانند اجرای بیمه درمان همگانی، اصلاح نظام تأمین مالی انتخابات و پایان دادن به کمک‌های نظامی آمریکا به اسرائیل وارد رقابت شد. در مقابل، استیونز، نماینده چهار دوره کنگره، کارزار خود را بر حمایت از بخش تولید، اقتصاد و سابقه‌اش در پیروزی در انتخابات‌های رقابتی متمرکز کرده و استدلال می‌کرد که بهترین گزینه برای شکست دادن مایک راجرز، نامزد

جمهوری خواهان، در انتخابات نوامبر است. استیونز از حمایت چاک شومر، رهبر اقلیت دموکرات‌ها در سنا، برخوردار بود و از ده‌ها میلیون دلار هزینه تبلیغاتی گروه‌های بیرونی نیز بهره برد؛ از جمله حمایت گسترده گروه‌های حامی اسرائیل به رهبری آیپک. در مقابل، السید از سوی برنی سندرز، سناتور آمریکایی، حمایت شد و با شعار مقابله با جریان حاکم وارد رقابت شد. او استدلال می‌کرد که دموکرات‌ها باید نفوذ شرکت‌های بزرگ در سیاست را کنار بگذارند و برنامه‌ای مترقی‌تر را دنبال کنند.

السید در نهایت باید در انتخابات نهایی ۳ نوامبر با مایک راجرز، نامزد جمهوری‌خواه، روبه‌رو شود؛ کسی که در انتخابات مقدماتی حزب جمهوری‌خواه بدون رقیب پیروز شد. راجرز، نماینده پیشین کنگره میشیگان، در اولین تلاش خود برای ورود به سنا در سال ۲۰۲۴ با اختلافی اندک شکست خورد و امسال حمایت دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا را به دست آورده است.

عبدل السید کیست؟

السید، ۴۱ ساله و فرزند مهاجران مصری، در صورت پیروزی اولین سناتور مسلمان تاریخ آمریکا خواهد بود. او از حمایت

چهره‌های برجسته جناح مترقی، از جمله برنی سندرز، سناتور ایالت ورمونت و الکساندریا اوکاسیو-کورتز، نماینده کنگره از نیویورک، برخوردار است. به گزارش بی‌بی‌سی، السید در کارزار انتخاباتی خود بر موضوعاتی مانند اجرای نظام درمان همگانی، افزایش مالیات بر میلیاردها و انحلال اداره مهاجرت و گمرک آمریکا تأکید کرده است. نظرسنجی‌های یک سال گذشته نشان می‌دهد هزینه‌های درمان، در کنار افزایش قیمت بنزین، مواد غذایی و مسکن، همچنان مهم‌ترین دغدغه‌های رأی‌دهندگان است.

السید پیش‌تر گفته بود اگر حزب دموکرات بیشتر به مشکلات مردم عادی توجه می‌کرد، «برای همان سیاست‌هایی مبارزه می‌کرد که من برای آنها می‌جنگم.» با وجود مواضع چپ‌گرایانه، او غرض جناح «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» نیست و معتقد است برچسب «سوسیالیست» کمکی به پیشبرد اهدافش نمی‌کند. با این حال، او می‌گوید از هم‌حزبی‌های سوسیالیست دموکرات خود، بویژه زهران مدمانی، شهردار نیویورک، درس گرفته است؛ فردی که حضور پررنگ در شبکه‌های اجتماعی و تمرکز بر مسأله هزینه‌های زندگی، به



عبدل السید Getty Images

پیروزی او در سال گذشته کمک کرد. هرچند نامزدهای چپ‌گرای دموکرات در انتخابات مقدماتی تابستان امسال، از جمله در کلدردو، پیروزی‌های متعددی به دست آوردند، اما هنوز مشخص نیست آیا خواهند توانست رأی‌دهندگان طبقه کارگر ناامید را که در سال ۲۰۲۴ به ترامپ روی آوردند، دوباره جذب کنند یا خیر؟

مخالفت با اسرائیل

عبدل السید همچنین به‌صراحت با نقش‌آفرینی آمریکا در خاورمیانه، از جمله کمک‌های نظامی و مالی واشنگتن به

اسرائیل، مخالفت کرده است. نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد که پس از جنگ علیه ایران، شمار فراینده‌ای از رأی‌دهندگان آمریکایی معتقد ند ایالات‌متحده بیش از حد از متحد دیرینه خود، اسرائیل، حمایت می‌کند. این موضوع در میشیگان اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا این ایالت دومین جمعیت بزرگ عرب‌تبار آمریکا را در خود جای داده است.

به گزارش واشنگتن پست، السید اقدامات اسرائیل در غزه را «نسل‌کشی» توصیف کرده است. او همچنین بارها به ارتباط رقبیش با آیپک، کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل، اشاره کرده است.



السید
اقدامات
اسرائیل
در غزه را
«نسل‌کشی»
توصیف
کرده است.
او همچنین
بارها به ارتباط
رقیبش با
آیپک، کمیته
امور عمومی
آمریکا و
اسرائیل،
اشاره کرده
است. این
لایه حامی
اسرائیل
نزدیک به
۳۰میلیون دلار
برای حمایت
از کارزار
انتخاباتی
استیونز هزینه
کرده است

این لایه حامی اسرائیل نزدیک به ۳۰ میلیون دلار برای حمایت از کارزار انتخاباتی استیونز هزینه کرده است.

در همین رابطه، مؤسسه AdImpact برآورد کرده است که مجموع هزینه تبلیغات و زمان تبلیغاتی رزروشده تا پایان ماه ژوئیه به ۹۸.۲ میلیون دلار رسیده و این رقابت را به سومین انتخابات مقدماتی پرهزینه سنای آمریکا در تاریخ این کشور تبدیل کرده است. یکی از بزرگ‌ترین هزینه‌کنندگان، پروژه دموکراسی متحد، کمیته اقدام سیاسی وابسته به لایه حامی اسرائیل، و کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل، بوده است. تبلیغات این گروه از هیلی استیونز حمایت می‌کرد و هم‌زمان به عبدل السید حمله می‌کرد.

السید که سال‌ها از نفوذ شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌های کلان در سیاست آمریکا انتقاد کرده است، این حجم از حمایت مالی از رقبیش را به محور تبلیغات انتخاباتی خود تبدیل کرد و در مواردی گزارش را به نبرد کتاب مقدس میان «داود و جالوت» تشبیه کرد. در مقابل، هیلی استیونز مانند بسیاری از دموکرات‌های میانه‌رو، از حامیان سرخشت اسرائیل است و گفته از ادامه کمک‌های آمریکا به اسرائیل بدون هیچ شرطی حمایت می‌کند. با این حال، او از بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، نیز انتقاد کرده که این انتقاد با واکنش تند نتانیاهو در یک مصاحبه با CNN روبه‌رو شد. اگرچه حزب دموکرات عمدتاً در مخالفت با جنگ ترامپ علیه ایران موضعی مشترک داشته است، اما جنگ اسرائیل و غزه همچنان یکی از دشوارترین موضوعات اختلاف‌برانگیز برای این حزب به شمار می‌رود.

به گفته لری ساتو، مدیر مرکز سیاست دانشگاه ویرجینیا، دموکرات‌ها از گذشته برای پیروزی در انتخابات به آرای هر دو جامعه یهودیان و عرب‌تباران متکی بوده‌اند. او گفت، «آنها ناچارند یک انتخاب انجام دهند. هر دو طرف هم تلاش می‌کنند این انتخاب را تا حد ممکن برای دموکرات‌ها پرهزینه و دشوار کنند.»

جهان

بدون روتوش



محمدمحسن فاطمی

کارشناس مسائل فلسطین

پروژه ای برای جذب معلمان یهودی آمریکا و کانادا

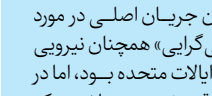
از سال ۲۰۲۳ و پس از طوفان، میزان خروج از سرزمین‌های اشغالی وارد مرحله جدیدی شده و به باور بسیاری از تحلیلگران اسرائیلی ورود به دوران جدیدی از مهاجرت معکوس را هشدار می‌دهد.

تحولات اخیر در حوزه مهاجرت و باز کار اسرائیل نشان می‌دهد این رژیم هم‌زمان با افزایش خروج شهروندان، با چالش فراینده‌ای در تأمین نیروی انسانی متخصص روبه‌رو شده است. دو تحول مهم در ماه‌های اخیر، یعنی ادامه روند مهاجرت معکوس اسرائیلی‌ها و راه‌اندازی برنامه جذب معلمان یهودی از آمریکا شمالی، بیانگر تلاش دولت اسرائیل برای جبران کمبود سرمایه انسانی در بخش‌های کلیدی اقتصاد و خدمات عمومی است. براساس تحلیل پژوهشگران دانشگاه تل‌آویو از داده‌های اداره مرکزی آمار اسرائیل (CBS)، روند خروج شهروندان اسرائیلی در سال‌های اخیر به بالاترین سطح خود در دهه‌های گذشته رسیده است. در سال ۲۰۲۴ حدود ۹ هزار و ۵۰۰ نفر اسرائیلی را برای حداقل سه ماه ترک کردند؛ این رقم در سال ۲۰۲۳ نیز بیش از ۸۶ هزار نفر بود. در حالی که میانگین سالانه خروج از کشور در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ تنها حدود ۶۰ هزار نفر بوده است. لذا اسرائیل در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ برای اولین بار طی دهه‌های اخیر با تراز مهاجرتی منفی مواجه شده است؛ یعنی شمار خروجی‌ها از ورودی‌ها پیشی گرفته است. کارشناسان مجموعه‌ای از عوامل را در این روند مؤثر می‌دانند؛ از جمله ادامه جنگ و ناامنی پس از حملات ۷ اکتبر ۲۰۲۳، افزایش هزینه‌های زندگی، بی‌ثباتی سیاسی، اختلافات داخلی و نگرانی از آینده اقتصادی. آنچه این روند را برای سیاست‌گذاران اسرائیلی نگران‌کننده‌تر کرده، ترکیب جمعیتی مهاجران است؛ زیرا بخش قابل توجهی از افرادی که کشور را ترک می‌کنند را نیروهای متخصص، فعالان صنعت فناوری، پزشکان، پژوهشگران دانشگاهی و خانواده‌های جوان تشکیل می‌دهند. از همین رو، برخی اقتصاددانان نسبت به تشدید پدیده «فرار مغرّها» و کاهش توان رقابتی اقتصاد اسرائیل هشدار داده‌اند. هم‌زمان با این روند، کمبود نیروی متخصص در برخی بخش‌های خدمات عمومی نیز آشکارتر شده است. یکی از نمونه‌های بارز آن، نظام آموزشی اسرائیل است که با کمبود هزاران معلم، پروژه در رشته‌های زبان انگلیسی، ریاضیات، علوم و آموزش ویژه مواجه است. به گفته وزارت آموزش اسرائیل، بخشی از معلمان فعلی فاقد گواهینامه کامل تدریس هستند یا در رشته‌ای غیر از تخصص خود فعالیت می‌کنند؛ مسأله‌ای که کیفیت آموزش را تحت تأثیر قرار داده است. در واکنش به این وضعیت وزارت آموزش و وزارت مهاجرت، برای اولین بار طرحی با عنوان برنامه ملی جذب معلمان یهودی از ایالات متحده و کانادا را راه‌اندازی کرده‌اند. این طرح امکان معادل سازی مدارک، دریافت مجوز تدریس و هماهنگی استخدام را پیش از اشغال برای مهاجرت فراهم می‌کند تا افراد بتوانند بلافاصله پس از ورود در سرزمین‌های اشغالی در مدارس مشغول به کار شوند. برگزارکنندگان امیدوارند صدها معلم برای سال تحصیلی ۲۰۲۷-۲۰۲۸ از طریق این برنامه جذب شوند. مجموع این تحولات نشان می‌دهد اسرائیل با یک چالش دوجوهی روبه‌روست؛ از یک سو، افزایش مهاجرت معکوس و خروج بخشی از نیروهای متخصص از سوی دیگر، تلاش برای جایگزینی این سرمایه انسانی از طریق تشویق مهاجرت یهودیان. به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران هرچند ممکن است این سیاست‌ها بتواند بخشی از کمبود نیروی کار را جبران کند، اما در صورت تداوم عوامل داخلی مانند نااطمینانی امنیتی، پیامدهای مذاکر ۱۷ اکتبر، افزایش هزینه‌های زندگی و بی‌ثباتی سیاسی، جذب مهاجران جدید به‌شدت چالش‌برانگیز برای جبران روند خروج شهروندان و حفظ سرمایه انسانی اسرائیل کافی نخواهد بود.

بیل کلینتون برای بازگرداندن «الیان گونزالس» به کوبا (پس‌ر ۶ ساله کوبایی که در سال ۱۹۹۹ در دریا پیدا شده بود) آرای حیاتی ال گور، معاون رئیس‌جمهور را در فلوریدا که تعیین‌کننده انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۰۰ بود، از دست داد. با گذشت زمان، قانون ۱۹۶۶ با انتقادات فراینده‌ای مواجه شد. پس از پایان جنگ سرد، برخی استدلال می‌کردند که رفتار ویژه به مهاجران کوبایی ناهماهنگ با زمانه شده است، درحالی‌که دیگران (از جمله مارکو روبیو، سناتور وقت که خودش فرزند مهاجران کوبایی بود) به سوءاستفاده‌هایی که از این سیاست می‌شد اشاره می‌کردند. از آنجا که دولت کوبا به‌صورت دوره‌ای به گروه‌های بزرگی از مردم اجازه خروج به مقصد ایالات متحده می‌داد - که بسیاری از آنها با مهاجران متخصص (ثروتمند سال‌های نخست پس از انقلاب متفاوت بودند - این تصور که آنان به‌اصطلاح «مهاجران نمونه» هستند تصفیه‌شد و انتقادات از این برنامه شدت گرفت.

نقطه عطف کلیدی در سال ۱۹۸۰ رخ داد؛ زمانی که کاسترو در جریان «عملیات ماریل» برای تخلیه اجباری مهاجران، به تقریباً ۱۲۵ هزار کوبایی اجازه خروج داد. در میان آنها افرادی با سوابق کیفری و افراد دیگری بودند که دولت کوبا آنها را نامطلوب می‌دانست؛ نتایجی که برداشت عمومی از مهاجران کوبایی را در بخش‌هایی از حوزه‌های انتخابیه تغییر داد. در سال ۱۹۹۵، کلینتون کنترل‌های سخت‌گیرانه‌تری را بر مهاجرت کوبایی‌ها اعمال کرد؛ هرچند همزمان مشروعیت برخی از مسیرهای ورود به کشور را مجدداً تأیید کرد. این اقدام با سیاست «پای خیس، پای خشک» انجام شد که طبق آن، مهاجران کوبایی که در دریا متوقف می‌شدند عموماً به کوبا بازگردانده می‌شدند، اما کسانی که خود را به خاک آمریکا می‌رساندند اجازه ماندن می‌یافتند و می‌توانستند بعدتر برای دریافت اقامت دائمی درخواست دهند. باراک اوباما به کاهش جنبه‌هایی از رفتار ویژه‌ای که مدت‌ها به کوبایی‌ها ارائه می‌شد، ادامه داد و ترامپ بسیار فراتر رفته و اقدامات مرتبط با اخراج را گسترش داده و درعین حال دستور کار مهاجرتی محدودتری را دنبال می‌کند. دولت او همچنین مهاجران کوبایی را در معرض رویه‌های اخراج سریع قرار داده است.

از دهه ۱۹۶۰ تا امروز



برش

دهه ۱۹۶۰ از نظر نحوه تفکر سیاستمداران جریان اصلی در مورد مهاجرت، دوران متفاوتی بود. اگرچه «بومی‌گرایی» همچنان نیرویی قدرتمند و بخشی پایدار از سنت سیاسی ایالات متحده بود، اما در دوران ریاست‌جمهوری جانسون، این باور قوی نیزجود داشت که ورود تازه‌واردان به نفع ملت است. مهاجران به عنوان بخشی از آنچه ایالات متحده را بزرگ می‌کرد، دیده می‌شدند. دلایل بشردوستانه‌ای برای کشودن درها به روی مهاجران وجود داشت و همان‌طور که بسیاری از محافظه‌کاران تشخیص دادند، مزایای ملی نیز وجود داشت. در چارچوب جنگ سرد، استقبال از پناهندگان، نمایشی قدرتمند از آزادی‌ها و فرصت‌هایی بود که ایالات متحده مدعی تجسم آنها بود. فضای سیاسی فعلی کاملاً با آن روزها تفاوت دارد. فضایل مهاجرت و ارزش ارائه حمایت به کسانی که از شرایط دشوار فرار می‌کنند، تا حد زیادی از بحث‌های ملی حذف شده است. در عوض، بحث‌های سیاسی بر رمزهای سخت‌گیرانه‌تر، سیاست‌های اخراج تهاجمی و هزینه‌هایی که مهاجران جدید ممکن است بر کشور تحمیل کنند، متمرکز شده است. این روند تا آنجا پیش رفته که حتی بسیاری از دموکرات‌های واقع‌را نیز از نظر سیاسی نگران‌اند که درباره مهاجرت با کلماتی غیر از اجرا و سخت‌گیری حرف بزنند.

ایالات متحده در کشور دیگری بودند. با حمایت جانسون، کنگره تصمیم به اقدام گرفت. جنگ سرد به منطق و توصیه قوی برای امنیت ملی ارائه داد؛ توجیهی که بر پایه سنتی دیرینه استوار بود که به «قانون ارباد بی خانمان سال ۱۹۴۸» و سایر اقداماتی بازمی‌گشت که پس از جنگ جهانی دوم درهای کشور را به روی پناهجویان گشود. «جیکوب گلیبرت» نماینده دموکرات نیویورک، لایحه‌ای را برای اعطای مسیر دستبایی به اقامت دائمی به پناهجویان کوبایی ارائه داد. این لایحه از حمایت حیاتی نمایندگان و از طراحان اصلی اصلاحات قوانین مهاجرت برخوردار شد.

«جورج بال» معاون وزیر امور خارجه، در حمایت از این اقدام شهادت داد و از کنگره خواست تا این قانون را تصویب کند. او از هدف بشردوستانه این قانون دفاع کرد. در طول جلسات بحث‌وبررسی، اعضای کمیته بادقت تأکید کردند که بررسی این قانون، مشروعیت حکومت کوبا را به رسمیت نمی‌شناسد. در انتقادات محافظه‌کارانه‌ای که قانون بر انتقادات از کوبا‌ها معتقد بودند زیاد را دربر می‌گرفت، در حال حاضر در ایالات متحده پذیرفته شده است.

مهاجران به‌سرعت به‌عنوان مهاجران جدید در حال حاضر در ایالات متحده پذیرفته شده‌اند و همچنین لیبرال‌هایی‌که نگران از دست‌دادن شغل کارگران آمریکایی بودند، غلبه کردند؛ چرا که حمایت از کمک به مهاجرت و کمک به مهاجران به‌سرعت پذیرفته شد. هرچند که ایالات متحده به‌عنوان یک کشور مهاجران‌دوستانه شناخته می‌شود، اما با گذشت زمان، واقعیت آشکار شد. رئیس‌جمهوری لیندون بی. جانسون بخش زیادی از توجه خود را از سرنگونی کاسترو -اگرچه این هدف همچنان برای سیا در اولویت بود- به کمک به پناهندگان کوبایی که موفق به رسیدن به ایالات متحده شده بودند، معطوف کرد. از زمان انقلاب، هزاران کوبایی از این جزیره گریخته بودند؛ صاحبان اسلک، متخصصان و بازرگانان از اولین کسانی بودند که آنجا را ترک کردند. تا سال ۱۹۶۲، برنامه‌هایی برای کمک به تقریباً ۲۵۰ هزار کوبایی که قبل از ایالات متحده رسیده بودند، وجود داشت که اکثر آنها در منطقه میامی ساکن شدند. با این حال، هجوم پناهندگان کوبایی یک چالش بود. پس از کاهش شدید پناهندگان به دنبال بحران موشکی کوبا، مهاجرت بین سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ دوباره افزایش یافت، زمانی که کاسترو به تعداد بیشتری از اتباع کوبایی اجازه خروج داد. طبق قانون مهاجرت موجود (قانون مهاجرت و تابعیت ۱۹۵۲)، همه مهاجرانی که به دنبال اقامت دائم بودند، عموماً ملزم به ترک ایالات متحده و درخواست ویزا از طریق کنسولگری



در سال ۱۹۶۶،
کنگره «قانون
تبدیل کوبا»
را تصویب
کرد که
حمایت‌های
ویژه‌ای را برای
افراد کی از
کوبا گریخته
بودند. فراهم
می‌کرد. اما
۶۰ سال بعد،
کوبایی‌هایی
که زمانی برای
دهه‌ها از
حمایت‌های
ویژه مهاجرتی
بهرمند
بودند. اکنون
به‌اندازه سایر
غیرشهروندان
در معرض
اخراج قرار
دارند



روابط نزدیکی با اتحاد جماهیر شوروی

برقرار ساخت. کوبا تنها ۹۰ مایل از فلوریدا فاصله داشت و سیاست دولت ترامپ در آمریکایی عمیقاً از چشم‌انداز یک دولت کمونیستی که تا این حد به ایالات متحده نزدیک بود، نگران بودند. در ۳ ژانویه ۱۹۶۱، ایالات متحده روابط دیپلماتیک خود را با کوبا قطع کرد. در ابتدا، سیاست‌گذاران آمریکایی به دنبال مقابله با کاسترو از طریق نیروی نظامی بودند. در آوریل ۱۹۶۱، سازمان سیا از حمله ناموفق «خلیج خوک‌ها» حمایت کرد که به فاجعه ختم شد و ضربه بزرگی به دولت جدید «جان اف کندی» وارد کرد. ۱۸ ماه بعد، کندی در جریان «بحران موشکی کوبا»، زمانی که نظارت ایالات متحده نشان داد که اتحاد جماهیر شوروی موشک‌های هسته‌ای را در کوبا مستقر کرده که قادر به هدف قرار دادن بخش بزرگی از ایالات متحده هستند، جایگاه خود را بازیافت. این بحران بدون شلیک حتی یک گلوله پایان یافت، اگرچه دو ابرقدرت به طرز خطرناکی به جنگ هسته‌ای نزدیک شدند. در پی آن، ایالات متحده همچنان از به‌رسمیت شناختن دولت کاسترو خودداری کرد و همچنان متعهد

مترحه بیش از ۴۳۰ کوبایی را به مکزیک اخراج کرده بود. هم‌زمان با تشدید لفاظی‌های تهدیدآمیز دولت ترامپ در مورد کوبا و با پیش‌بینی اقدام نظامی احتمالی پس از محاصره اقتصادی، شواهد کمی وجود دارد که پناهندگانی که به ایالات متحده رسیده‌اند، بتوانند آسوده‌تر بیاسایند. این سیاست‌ها نشان‌دهنده تغییر چشمگیر در نحوه تفکر بسیاری از آمریکایی‌ها در مورد مهاجران، پناهندگان و افراد تبعیدی در دهه ۱۹۶۰ است. در آن زمان، سیاست عمومی بر باز کردن درهای کشور و بهره‌گیری از میراث مهاجرتی کشور برای تقویت ایالات متحده در مبارزه با خطرناک‌ترین دشمنانش متمرکز بود. به‌جای تأکید بر طرد و اخراج، استقبال از تازه‌واردان ستون اصلی سیاست ایالات متحده در روزگارن گذشته بود.

چرخش تاریخی آمریکا در قبال مهاجرت

در ژانویه ۱۹۵۹، روابط ایالات متحده و کوبا زمانی که کاسترو رژیم «فولخنسیو باتیستا» را سرنگون کرد، دگرگون شد. کاسترو به‌سرعت قدرت را تثبیت و یک حکومت سوسیالیستی تأسیس کرد که